

# کانون

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان  
اخبار داخلی - شماره ۹ (دوره ششم)  
آذرماه ۱۳۵۲



علیاحضرت شهبانوی ایران کتابخانه‌ی شماره‌ی بیست‌تبران را در روز ۲۶ آبان‌ماه افتتاح فرمودند. این کتابخانه در زمینی به مساحت ۶۰۰ متر بنا شده و در پارک راه‌آهن واقع است. در حال حاضر، کتابخانه بیش از ۱۱۰۰ نفر عضو دارد و ۶ کتابدار در آن کار می‌کنند. کتابخانه علاوه بر سالن‌های جداگانه برای مطالعه‌ی کودکان و نوجوانان، محلی برای نقاشی و مسالنی برای نمایش فیلم و سایر برنامه‌های جنبی از قبیل آموزش تئاتر، موسیقی و فیلم‌سازی نیز دارد.

تمام برنامه‌های کتابخانه‌های کانون، در این کتابخانه اجرا می‌شود و بیش از ۶۰۰۰ جلد کتاب مورد استفاده‌ی مراجعان است.

# دیدار:

ساعت ۹ به بامداد روز یکشنبه ۴ آذرماه خانم سدنبال همسر نخست‌وزیر مغولستان و چند نفر از همراهان، از ادارات مرکزی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازدید به عمل آوردند. خانم سدنبال و همراهان در این بازدید مورد استقبال سرکار خانم لیلی امیرارجمند مدیرعامل کانون قرار گرفتند و طی مراسمی از فیلم «گزارش» دیدن کردند. همچنین آتلیپ‌های نقاشی و فیلمسازی - قسمت امور کتابخانه‌ها - و قسمت انتشارات کانون مورد بازدید قرار گرفت. در ساعت ۱۰ خانم سدنبال و همراهان کانون را ترک گفتند.



## گشایش کتابخانه‌ی روستائی استان کرمان

از سیام آبان تا یکم آذرماه سال جاری کتابخانه‌های کودک شهرهای سیرجان، رفسنجان، بم، بافت، جیرفت و ماهان طی مراسمی آغاز به کار کردند. ساختمان کتابخانه‌ها متعاقب سفر علیاحضرت شهبانوی ایران در اواخر سال ۱۳۵۱ آغاز شد. جای دارد از همگامی‌های آقای مصطفی درخشش استاندار سابق کرمان و استاندار کنونی مازندران و سازمان برنامه در اجرای این مهم یاد شود. برای بنیاد و تجهیز این کتابخانه‌ها حدود بیست میلیون ریال هزینه صرف شد و شانزده نفر کتابدار پس از طی دوره‌ی کارآموزی کتابخانه‌ها را آماده ساختند.

در آیین گشایش کتابخانه‌ها سرکار خانم امیرارجمند مدیرعامل کانون و شخصیت‌های برجسته استان شرکت جستند. آقایان عزت‌الله تیرانداز استاندار کرمان، مظفر جندقی نماینده مردم کرمان در مجلس شورای ملی، منتظری نماینده مردم سیرجان در مجلس شورای ملی، آرشام مدیر هنرستانهای آشام، فرمانداران شهرها از جمله شرکت‌کنندگان در این مراسم بودند. در پی افکنی این کتابخانه‌ها توجه خاصی به مقتضیات اقلیمی و معماری محلی شده است، برای شناساندن کتابخانه کودک و عملکرد آن سرکار خانم امیرارجمند در تلویزیون ملی ایران مرکز کرمان شرکت جستند. در جریان مراسم گشایش نیازهای کتابخانه و لزوم به کار گماردن مربیان کاردان در رشته‌های تاتر، موسیقی و نقاشی با حضور آقای استاندار به بحث گذارده شد. و مقدمات کار نیز بدین ترتیب آغاز گشت. تعداد کتابهای شش کتابخانه گشایش یافته در حدود ۳۰۰۰ جلد است و در همین مدت که تاهمکاران این کتابخانه‌ها توانسته اند قریب به چهار هزار کودک و نوجوان را به عضویت در آورند. در حال حاضر تعداد کتابخانه‌های کودک کانون در شهرستانها به رقم ۸۹ بالغ شده است.

## کانون در هفته‌ی کتاب

به همت اتحادیه ناشران و کتابفروشان ایران در هفته کتاب از روز ۱۲ آبان تا ۲۷ آبان نمایشگاه کتاب باشکوهی در پارک پهلوی ترتیب داده شد.

در این مراسم اکثر ناشران تهران شرکت داشتند. غرفه‌ی کانون که در آن کتابها و صفحه‌ها و پوسترها به چشم می‌خورد از زیباترین غرفه‌های این نمایشگاه بود. بسیاری از مردم با کتابها و نشریات کانون آشنا شدند و برای بچه‌های خود هدیه‌هایی مناسب خریدند. این نمایشگاه مورد توجه بسیاری از مردم و شخصیت‌های کشور واقع شد.

در این عکس جناب آقای پهلبد را هنگام تماشای غرفه‌ی کانون می‌بینید که خانم ملک‌خانی نماینده کانون توضیحات لازم را به عرض می‌رسانند.



# يك خبر خوش



بی‌ینال جهانی تصویرهای کتابهای کودکان دربرائیسلاوا  
هر دو سال يك بار در چکسلواکی برگزار می‌شود، و ضمن  
تشکیل نه‌یشگاهی جهانی از بهترین تصویرهای کتابهای کودکان و  
نوجوانان - جوایزی به بهترین کتابهای تصویر شده داده می‌شود.  
نکته‌هایی که در زیر می‌آید از گزارش فعالیت این بی‌ینال در  
سال ۱۹۷۳ نقل شده است:

★ در بی‌ینال ۱۹۷۳، ۳۰۲ تصویر از ۴۲ کشور جهان  
به نمایش گذاشته شد.  
★ تصمیم گرفته شد که مانند گذشته از هر کشور  
حداکثر ۴۰ تصویر در نمایشگاه شرکت داده شود.  
★ بی‌ینال همچنان از کمک معنوی و مادی یونسکو  
برخوردار خواهد بود.  
★ دبیرخانه بی‌ینال تصمیم گرفت که بکوشد با همکاری  
یونسکو جایزه ویژه‌یی برای تصویرهای کتابهای درسی به  
وجود آورد.  
★ کوششی می‌شود که فعالیت بی‌ینال در آمریکای لاتین  
و افریقا گسترش داده شود.  
★ بی‌ینال تصمیم گرفت که تصاویر کتابهایی را که در  
۱۹۷۱ و ۱۹۷۳ جایزه بی‌ینال را برده‌اند به صورت يك کتاب  
رنگی چاپ کند. بی‌ینال همچنین درخواست کرده است که  
تصاویری که در این دو سال «جایزه بزرگ» را برده‌اند به  
صورت نمبر پستی چکسلواکی چاپ شود. همچنین قرار است  
يك فیلم کوتاه رنگی از فعالیت‌های «بی‌ینال» تهیه شود که  
بیشتر شامل فیلمبرداری از تصاویر کتابهای برنده شده خواهد بود.  
کارنامه کانون: مطابق این خبر تصویرهای  
کتاب «کلاغ‌ها» از نورالدین زرین‌کلک (برنده‌ی  
جایزه‌ی سال ۱۹۷۱) و تصویرهای کتاب «آرش  
کمانگیر» از فرشید مثقالی و تصویرهای «توکایی  
در قفس» از بهمن دادخواه (برنده‌ی جایزه‌ی سال  
۱۹۷۳) در مجموعه ذکر شده چاپ و معرفی خواهند شد.  
باز هم درباره فعالیت‌های جدید این بی‌ینال خواهیم  
نوشت. کانون در سال ۱۹۶۹ نیز با کتاب ماهی‌سیاه  
کوجولو و نقاشی‌های فرشید مثقالی برنده‌های یکی  
از جوایز این بی‌ینال شده است.

## بچه‌های فیلمساز

دهمین فستیوال بین‌المللی  
فیلمهای ۸ میلی‌متری - که  
بوسیله‌ی نوجوانان ساخته می-  
شود - امسال از ۲ تا ۴ نوامبر  
۱۹۷۳ در شهر هلسینکی برگزار  
شد.

در این مسابقه، ۴۸ فیلم از ۱۵  
کشور مختلف شرکت کرده بودند.  
يك هیئت داوری بین‌المللی از  
کشورهای اتریش - فنلاند - آلمان  
شرقی - شوروی و سوئد بر روی  
فیلم‌ها قضاوت می‌کرد.

از ایران، ۵ فیلم از ساخته‌های  
اعضای کلاس‌های آموزش  
فیلمسازی کتابخانه‌های کانون  
پرورش فکری کودکان و نوجوانان  
در این مسابقه شرکت داده شد.  
پس از اعلام نتایج، ۳ فیلم از

پنج فیلم ایرانی، سه جایزه‌ی  
اصلی را به دست آورد، از این قرار:  
**درگروه الف** - فیلم‌های ساخته  
شده توسط بچه‌های کمتر از ۱۶  
سال:

- فیلم «**سرامیک**» برنده‌ی  
جایزه‌ی دوم (برنز) در قسمت  
فیلم‌های مستند، درباره‌ی سرامیک  
و کاشی‌سازی در ایران، ساخته‌ی  
حسین گودرزی عضو کتابخانه‌ی  
شماره‌ی ۷ کانون.

- فیلم «**هرغ**» برنده‌ی جایزه‌ی  
دوم (برنز) در قسمت فیلم‌های  
بلند يك فیلم داستانی، ساخته‌ی  
علی پوراقامت عضو کتابخانه‌ی  
شماره‌ی ۲ کانون.

**درگروه ج** - فیلم‌های ساخته  
شده توسط نوجوانان بیش از ۱۶  
سال:

- فیلم «**قلمدوش**» برنده‌ی  
جایزه‌ی اول (نقره)، داستانی از  
همبستگی و همفکری افراد،  
ساخته‌ی رضا خزائلی عضو  
کتابخانه‌ی شماره‌ی ۴ کانون.

این فستیوال که سال گذشته  
در میلان برگزار شد، هر سال در  
یکی از شهرهای مهم دنیا برگزار  
می‌شود.

سال گذشته نیز دو فیلم  
ساخته‌ی بچه‌های عضو کتابخانه -  
های کانون پرورش فکری کودکان  
و نوجوانان، دو جایزه‌ی اصلی  
این فستیوال را به دست آوردند.  
به این ترتیب کلاس‌های فیلمسازی  
کانون در ظرف یکسالی که تشکیل  
شده، و طی سه دوره‌ی سه‌ماهه،  
به نتایج و موفقیت‌هایی در سطح  
جهانی رسیده است.

## چند یادداشت

# ۱ کمیته‌ی بررسی کتاب

## روی سخن ما با ناشران هم هست

ضرورت تهیه، مطالعه و بررسی و انتخاب کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان عضو کتابخانه‌های کانون، موجب ماندگاری کمیته‌های بررسی کتاب شده است. این کمیته برحسب همین ضرورت - از لحاظ ترکیب اعضا - تغییراتی هم پیدا کرده است، بطوری که شاید بتوان گفت که در شرایط حاضر ترکیب مناسبی دارد. «کمیته بررسی کتاب» هنوز هم درگیر مسائل اساسی و کلی‌ست، و طرح‌هایی را اجرا می‌کند یا می‌خواهد اجرا کند:

★ گنجینه‌ی کتاب کتابخانه‌های کانون باید یک‌بار دیگر، با همکاری همه‌ی اعضای کمیته و گروه کتابداران یک کتابخانه - به‌طور نمونه - بررسی و تصفیه شود این تصفیه هم شامل کتابهایی باید باشد که سالهای پیش به علت کمبود کتابهای مناسب، تهیه و خریداری شده است و امروز دیگر با افزایش نسبی عنوان‌های مناسب و بخصوص ترجمه و چاپ بهتر به ناوین مشرفه، می‌باید با بررسی و مشورت و موافقت نهایی مدیریت عامل کانون صورت گیرد. البته قسمت سرپرستی کتابخانه‌ها در این زمینه اقداماتی

را آغاز کرده است، و کار کمیته‌ی بررسی در واقع کامل کردن این طرح است.

★ فهرستی از کتابهای مناسبی که تاکنون منتشر شده و در گنجینه‌ی کتابخانه‌ها نیست تهیه شده که باید تکمیل شود. ★ فهرستی هم از کتابهای موردتلاش و کودکان و نوجوانان عضو کتابخانه‌ها - که در کتابخانه‌ها نیست - با همکاری کتابداران تهیه شود.

★ روشی برای قیمت گذاری کتابهایی که خریده می‌شود - طبق ضوابط و معیارهایی که هم عملی‌ست و هم قابل دفاع - پیشنهاد و اجرا شده و مسئولان کانون نیز با این روش موافقت کرده‌اند. زیرا بعضی از ناشران قیمت کتابها را بطور غیرمنطقی بالا می‌برند - اغلب به علت مبادله‌ی کتاب با هم، به جای خرید کتاب از همدیگر - و چون کتابها را باحساب قیمت پشت جلد با هم مبادله می‌کنند، مداوماً قیمت کتابها را بالا می‌برند و آنوقت بهانه می‌آورند که تخفیف معینی که کانون موقع خرید کتاب از ناشران می‌گیرد، قیمت‌ها را بالا می‌برد! بدیهی‌ست که در این میان ناشران منصفی که به کیفیت کتاب و قوه‌ی خرید مردم بیشتر می‌اندیشند تا سود خودشان از تخفیف یکسان و معینی زیان می‌بینند.

اجرای مداوم این روش - و توضیح این نکته به همه‌ی ناشران هر قیمتی روی جلد کتاب بگذارند، دیگر برای کانون معیار ارزش‌گذاری برای خرید کتاب نیست؛ بلکه هزینه‌ی کتاب توسط افراد صاحب اطلاع کمیته‌ی بررسی کتاب کانون دقیقاً مشخص می‌شود (۱) و براساس هزینه‌ی کتاب و با احتساب سود عادلانه‌ی که برای ناشر بطور معمول منظور می‌شود، قیمت اقامه هر کتاب معین، و تخفیفی مناسب با آن منظور می‌شود؛ به نحوی که ناشر در باید که - دست کم در مورد فروش کتاب به کانون - هرچه قیمت کتاب ارزانتر باشد خود به خود از تخفیف مناسبتری بهره‌مند

می‌شود.

★ برای بررسی و آشنایی بیشتر با وضع گنجینه‌ی کتابخانه‌های کانون و بهر-موری از نظرات کتابداران و کودکان، قرار شد یکی از جلسات کمیته در یکی از کتابخانه‌ها تشکیل شود.

★ کمیته‌ی بررسی کتاب معمولاً هر هفته یکبار تشکیل می‌شود، اما در صورتی که کتاب برای بررسی نباشد یا تعداد کتابها کمتر از آن باشد که تشکیل جلسه ضرورت و فوریتی داشته باشد. جلسه به دو هفته‌ی بعد موکول می‌شود که کتاب به اندازه‌ی کافی برای بررسی موجود باشد.

★ برای آنکه سرعتی در کار تهیه کتاب مناسب برای کتابخانه‌های کانون ایجاد شود، مدتی‌ست که کمیته کتابهایی را که از هر جهت مناسب بودشان برای کودکان و نوجوانان مسلم است در همان جلسه بررسی و انتخاب و پیشنهاد می‌کند.

## ۲ يك مشكل ويك پيشنهاد

گروهی از دوستان کتابدار گله می‌کردند که کتاب‌های جدید، خیلی دیر به کتابخانه می‌رسد. با اینکه، به هر حال، فاصله‌ی زمانی ناگزیری میان فرستادن کتاب توسط ناشر، بررسی کتاب، موافقت نهایی، سفارش کتاب، عرضه‌ی کتاب توسط ناشر به کانون تهیه‌ی فیش و شماره دادن به کتابها و تنظیم و ترتیب کتابها در انبار و... تا ارسال کتابهای جدید به کتابخانه‌ها هست - از مسئولان این قسمت‌ها و همچنین کتابدارانی که نظرات و پیشنهاداتی دارند دعوت خواهیم کرد تا دربارگی جریان کار تهیه و تا فرستادن کتاب به کتابخانه به گفتگو بنشینند. ما با چاپ

(۱) حتی - علاوه بر کیفیت کتاب از لحاظ محتوی و مناسب بودن آن برای کودکان و نوجوانان - کیفیت ترجمه، و در نتیجه مدار حق‌التالیفی که می‌توان تخمین زد نیز در این ارزش‌گذاری به حساب می‌آید تاحق هم ناشرانی که به مترجمان ورزیده حق‌التالیف منصفانه‌ی می‌دهند محفوظ باشد، هم ناشران تشویق شوند که ترجمه‌ی کتابهایشان را به مترجمان ورزیده بسپارند و در نتیجه کیفیت ترجمه‌ی کتابها بالا برود و هم - تا آن حد این روش موثرست - برخی ناشران ترجمه هر کتابی را به «مترجم» خام و تازه‌کاری نسپارند به این سودا که «چندر-قازی» به او بدهند و کتابهای کودکان و نوجوانان زمینه‌ی بی‌باشد برای زبان‌آموزی یک عده و سودجویی عده‌ی دیگر - البته اینگونه ناشران خوشبختانه اندک شمارند.

این گفتوگو زمینه‌ی فراهم خواهیم آورد تا هم کتابداران در جریان کار باشند و هم اگر پیشنهاداتی دارند با ما در میان گذارند تا احتمالاً بتوان برای سرعت بیشتر در کار کتابرسانی به کتابخانه‌ها، چاره‌اندیشی‌هایی کرد - و این احتمال، هرگز بعید نیست.

رسم الخط کتاب‌های کانون بخصوص کتاب‌های کودکان - یک دست است و دیگر تشریحات کانون هم اگر همین رسم الخط را به کار ببرند، منطقی‌ترست، چرا که قصد ما صرفاً آسانتر کردن کار خواندن است. منطبق ما هم اینست که، تا حد امکان، همانطور نوشته شود که تلفظ می‌شود.

و همچنین می‌کوشیم تا خواندن و ترکیب‌ها را با جدا نوشتن - و زیر و زبر گذاشتن در مورد کتابهای کودکان - تا حد امکان ساده‌تر کنیم.

البته در مورد کتابهای نوجوانان و

تشریحات دیگر کانون، همانطور که زیر و زبر گذاشتن لزومی ندارد، بعضی از تمهیدات - چندان لازم نیست. در این مورد مثلاً، نظر ما اینست که کودک که یک شکل مشخص از یک کلمه را می‌شناسد، با دیدن یک شکل دیگر از آن کلمه در حالت جمع، گیج نشود - البته ما در این مورد فاصله‌ی معمولی چاپی میان دو کلمه را، از میان کلمه و علامت «ها» برمی‌داریم تا کودک حس کند که این، یک ترکیب است، مثلاً اینطور: کتاب‌ها نه کتابها که در مجموع یک شکل تازه است. بخصوص که کودک به مواردی هم برمی‌خورد که علامت «ها» از کلمه، جدا نوشته شده - مثل در ها، خانه‌ها - و همین آشنایی، خواندن کتاب‌ها را هم برایش آسانتر می‌کند.

در مورد کتابهای کودکان، روش ما اینست که تا حد امکان، ترکیب‌ها را جدا از هم و چسبیده به هم می‌نویسیم و در بعضی موارد یک علامت تیره‌ی کوچک میان ترکیبها می‌آوریم - مثل می‌خواند، رامراه.

این روش در مورد کتابهای نوجوانان و کتابها و تشریحات دیگر، در آسان‌خوانی

موثر است.

گفتیم که کلمه را - تا حد امکان همانطور می‌نویسیم که خواننده می‌شود. مقصود ما از «تا حد امکان»، اینست که چون اغلب مصوت‌ها (فتحه و کسره و ضمه) جزو حروف خط فارسی نیست، نمی‌توان همه‌ی کلمه‌ها را همانطور که تلفظ می‌شود، نوشت - مگر آنکه کلمه‌هایی را که خواندنشان برای کودکان مشکل است، با فتحه و کسره و ضمه بنویسیم که کار چاپ حروف اعراب‌دار، بسیار دشوار است، منتها در مورد کتابهای کودکان، چاره‌ی جز این نیست.

لابد تا حال به مواردی برخوردیده‌اید که بچه‌ها «ه» به اصطلاح غیر ملفوظ را در حالت اضافه، همان «ه» می‌خوانند نه «ی» - مثل خانه ما و نه خانه‌ی ما، حتی اگر علامت «ع» را که همزه نیست و در واقع، کوتاه شده‌ی حرف «ی» است، روی حرف «ه» بگذاریم. پس بهترست که همان خانه‌ی ما بنویسیم که احتمال اشتباه خواندنش را کمتر می‌کند. در فرصتهای دیگر، باز هم رسم الخط کتابهای کانون را تحلیل می‌کنیم.

آ. م.

## گزارش سمینار همکاری

### کتابخانه‌های روستا با خانه‌های

### فرهنگ روستائی

کتابخانه‌های روستایی کانون با همکاری گروه آموزش از روز ۱۰/۹/۵۲ به مدت یک هفته سمینار متصدیان کتابداری خانه‌های فرهنگ روستایی را برگزار کرد. طی این سمینار متصدیان کتابداری استانهای مرکز - گیلان - مازندران - آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - کرمانشاهان - خوزستان - کرمان - خراسان - اصفهان - فارس - لرستان - کردستان - همدان - سمنان - چهارمحال بختیاری - کهگیلویه - یزد - زنجان - گرگان و دشت و بوشهر شرکت داشتند. سمینار همه روزه صبح و بعد از ظهر تشکیل می‌شد.

روز اول سمینار به طرح مسائل کتابخانه - های فرهنگ روستایی توسط مسئولان مربوط اختصاص داشت. در این جلسه علاوه بر کلیه مسئولان قسمت‌های سازمان خانه‌های فرهنگ روستایی و نمایندگان سازمانهایی که کارشان در ارتباط با خانه‌ها می‌باشد، آقای دکتر عاملی مشاور امور آموزشی وزارت تعاون نیز شرکت داشت. اهم مسائل مطرح شده مشکلات اداری -

بی‌توجهی به کتاب و کتابخانه در سازمان و فقدان ابزار آموزشی و مجموعه‌های مورد نیاز در خانه - های فرهنگ روستایی بود که توسط مسئولین مربوطه یادداشت شد تا موانع موجود رفع شود. روزهای دیگر تا پایان هفته اختصاص به آموزش علمی شیوه‌های کتابداری کتابخانه کودک داشت که در کتابخانه‌های تهران توسط خانم ایرانی و خانم آل‌مذکور عملی شد. در برنامه‌های آموزشی صبحها، علاوه بر گفتگوها و تبادل نظرهایی که در باره‌ی رفع مشکلات موجود به عمل آمد و با کوشش در سادگی، در زمینه‌های کتابداری در کتابخانه‌های فرهنگ روستایی توسط آقای حری عضو گروه آموزش انجمن کتابداران ایران، و سرگرمیهای کتابخانه‌های روستایی، ضرورت کتابخوانی مسئولان کتابداری خانه‌های فرهنگ روستایی و شیوه‌های یادداشت‌نویسی برای جلب روستازادگان به کتاب - تبادل تجربیات در مورد قصه‌نویسی روستازادگان و تشکیل شورای نویسندگان و رابطین روستایی - روانشناسی کودکان روستایی و شناسایی مجموعه‌های موجود در کتابخانه‌ها - شیوه‌های اجرای بحث‌های بهداشتی و دامداری و کشاورزی در روستا، مطالبی توسط کارکنان قسمت روستایی کانون و کارشناسان وزارت تعاون به‌اختصار آموزش داده شد. ضمناً طی مدت سمینار علاوه بر گفتگوهایی که آقای اردوان مفید در مورد اجرای تئاتر توسط

۶- آماده کردن وسیله نقلیه مناسب برای سرکشی و توزیع و تعویض کتب کتابخانه‌ها طبق برنامه تنظیمی کادر مسئول آموزش. با توجه به علاقمندی فراوانی که اخیراً توسط مسئولین امر ابراز می‌شود امید می‌رود که با رفع نیازمندیهای بالا در ایجاد کتابخانه‌های روستایی‌زنده و فعال توفیق حاصل شود. در برگزاری سمینار علاوه بر افراد یادشده آقایان نفیسی و پولادی (از گروه آموزش) آقایان نوریان (پژوهش) خانم زرنگار و آقایان کوزه‌گر و تهرانیان همکاری داشتند.

د. حقیقتی طلب

## موفقیت فیلم سفر

فیلم سفر ساختهی بهرام بیضائی که در مرکز سینمایی کانون تهیه شده، در نهمین فستیوال جهانی فیلم شیکاگو برنده جایزه اول (در قسمت فیلم‌های کوتاه) شد. این فستیوال از روز ۱۸ آبان تا اول آذرماه گذشته برگزار گردید. هیات داوران این فستیوال از منتقدان معروف آمریکا و انگلستان بودند.

روستاییان داشتند حلقه فیلمی در ارتباط با نقش بازی در پرورش کودک بانضمام فیلم‌رہائی از سری فیلمهای تهیه شده توسط کانون نمایش داده شد.

دوره آموزشی با وجود فرصت کمی که داشت در ارائه شیوه‌های مورد توقع در کتابخانه‌های خانه‌های فرهنگ روستایی موفق بود ولی به‌جز تأمین احتیاجات و ابزار موردنیاز توسط سازمان خانه‌های فرهنگ روستایی نمیتوان شاهد حرکتی در این زمینه بود. این احتیاجات مشتمل است بر:

- ۱- تأمین کادر آموزشی ورزیده و آگاه به مسائل پرورشی کودکان روستا

- ۲- تأمین کتب و نشریات مناسب مورد نیاز روستاها
- ۳- تهیه قفسه و میز مطالعه برای کتابخانه-های فاقد وسایل
- ۴- تأمین وسایل نقاشی - لوازم التحریر - شطرنج - پروژکتور فیلم
- ۵- تهیه شرح وظایف منطقی‌تری برای متصدیان کتابخانه‌ها

پرسند که چرا نوشته‌هایشان چاپ نمی‌شود؟ و اضافه می‌کنند، «چون در کتابخانه به ما جواب نمی‌دهند از شما می‌پرسیم.»

پاسخی که ما می‌دهیم، کم‌وبیش شبیه آنچیزیست که در بالا آمد. برای یک نشریه داخلی، که می‌باید به‌مسایل و موضوعات متعددی بپردازد؛ امکان این نیست که تمام نوشته‌های فرستاده‌شده‌ی اعضای کتابخانه‌ها را چاپ کند. حتی اگر کارنامه صد صفحه هم باشد چنین امکانی نیست!

اعضای کتابخانه‌ها، و آن‌دسته که نوشته‌های خود را می‌فرستند از همه بهتر می‌دانند که ما به یادشان هستیم، نوشته‌هایشان را می‌خوانیم، که بعضی چاپ می‌شود و به برخی کتاب جایزه می‌دهیم و برای عده‌ی هم جواب می‌نویسیم و راهنمایی می‌کنیم. ولی اینها مانع انجام وظیفه‌ی کتابدار نمی‌شود. گفتیم که کتابدار باید اعضاء را به نوشتن و بیشتر نوشتن تشویق کند. جلسات بحثی که کتابخانه‌ها دارند، فرصت مناسبیست که اعضاء علاقمند، با تشویق کتابدار، از اول تا آخر بحث، یادداشت‌برداری کنند و بعد با اضافه کردن نظرات خود،

ولی آنچه مسلم است و به تجربه ثابت شده، اینست که هیچ‌کسی بایکبار و دوبار نوشتن، نویسنده نمی‌شود، چرا که اینکار به‌مطالعه و تمرین فراوان احتیاج دارد و ضمناً باید توشه‌ی‌ی از آگاهی و شناخت نسبت به

## کتابخانه‌های

### تهران

۱۵ آبان - ۱۵ آذر ۱۳۵۲

### باز هم سخنی با کتابداران

پیرامون خود نیز داشته باشد. وظیفه‌ی کتابدار این است که در مرحله‌ی نخست، عضو علاقمند را به نوشتن و بیشتر نوشتن تشویق کند و بعد ضمن بحث و گفتگو به او بقبولاند که نوشته‌اش بهترین و کاملترین نیست و راهنمایی‌اش هم بکند. در هفته‌های اخیر، برخی از اعضاء کتابخانه‌ها، با تلفن می-

اخیراً نوشته‌های اعضاء کتابخانه‌های تهران، کمتر به دست ما می‌رسد و ما علتش را نمی‌دانیم.

تا به حال چند داستان و مقاله‌ی فرستاده شده را، در کارنامه چاپ کرده‌ایم و چند نوشته‌ی دیگر نیز به تدریج به چاپ خواهد رسید.

در این ماه، ۲۰ نفر از اعضاء کتابخانه‌های شماره ۹، نوشته‌های خود را به کانون فرستاده‌اند و از کتابخانه‌ی شماره ۷، ۲ نفر، از شماره ۸، ۲ نفر و از شماره ۱۹ هم یک نفر. و این تعداد، در مقابل تعداد ماههای گذشته خیلی کم است.

شک نیست که شور و شوق کسی که می‌نویسد، بیش از هر چیز اهمیت دارد، ولی در کتابخانه‌های ما، نقش کتابدار هم، از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است.

عضو نوجوانی که برای نخستین بار قلم به دست می‌گیرد که مقاله‌ی بنویسد، و تصمیم هم دارد که آن مقاله را برای چاپ بدهد، این کار را با علاقه‌ی فراوان و با توقع زیاد انجام می‌دهد. چرا که معتقد است از همه بهتر می‌نویسد و نوشته‌اش کامل و بی‌عیب است.

نوشته را به کانون بفرستند. جلسات بحث کتاب و بررسی و معرفی کتاب می‌تواند اعضا را به نقد نویسی و بررسی کتابهای مختلف تشویق کند.

کتابداران می‌توانند با استفاده از کتابنامه‌ی کانون، و بانظرخواهی از قسمت سرپرستی، موضوعاتی را تعیین کنند و بعد از اعضا بخواهند که درباره‌ی آن موضوع تحقیق کنند و نتیجه‌ی تحقیق را به صورت دیواری در کتابخانه بیاورند و برای چاپ در کارنامه به کانون بفرستند. در این مورد باید اعضا را تشویق کرد تا با استفاده از کتابنامه و راهنمایی کتابدار، روش یافتن مآخذ را فرا بگیرند تا در مراحل مختلف تحصیل با اشکال مواجه نشوند. در پایان از کتابداران هر کتابخانه می‌خواهیم که با تقسیم کار در کتابخانه‌ی خود، یکی از آنان، مسئول گردآوری اعضای علاقمند و راهنمایی‌کننده، و رابط با کانون باشد.

شک نداریم که در این مورد هم کتابدارانی موفق هستند که برای کار خود ارزش قایل‌اند و به کودکان و نوجوانان اهمیت می‌دهند.

ما آماده هستیم تا با همکاران کتابدار برای تحقق بخشیدن به خواسته‌های یاد شده همکاری کنیم و همگام باشیم.

### علی میرزایی

کارنامه: با تأیید نظرات این همکار گرامی، یادآور می‌شویم که دوسه‌بار توسط کارنامه - و همچنین توسط سرپرستان کتابخانه‌ها از دوستان کتابدار خواهش کردیم که دست کم - از همان اعضای که هم‌اکنون دست درکار انتشار روزنامه و دیگر نشریات دیواربند - و کودکان و نوجوانانی که برای کارنامه مطلب می‌فرستند - هیأت تحریریه‌ی تشکیل دهند و یک نفر را به انتخاب آنها و تأیید کتابداران کتابخانه به عنوان نماینده به سرپرستی تهران معرفی کنند تا شورای عمومی نویسندگان کتابخانه را - با همکاری قسمت کتابخانه‌ها تشکیل دهیم. هدف ما اینست که زمینه را برای انتشار بیشتر نوشته‌های کودکان و نوجوانان عضو کتابخانه‌ها - با نظارت خودشان -

فراهم آوریم بدین‌وسیله که در مورد شهرستانها تماس مستقیم به این نحو، ممکن نیست اما اگر گروه کتابخانه‌های هر استان هم به همین شیوه عمل کنند امکان این هست که در هر شماره، بخشی از صفحات کارنامه را به یک استان اختصاص دهیم - واحدهای روستایی هم چنین می‌توانند کرد. هدف، به‌رحال، تشکیل چنین هیئت تحریریه‌هاییست. چنانچه این طرح اجرا شود و به یاری هیئت تحریریه‌ها بتوانیم بطور منظم و مداوم، مطلب در اختیار داشته باشیم گامی اساسی برای چاپ مطالب بیشتر از کودکان و نوجوانان برداشته‌ایم - و این قدم، ما را به اجرای یک طرح فوق‌العاده نزدیک می‌کند: انتشار نوشته‌های بچه‌ها توسط خودشان، در تمامی مراحل، حتی چاپ و تصحیح به‌راهنمایی کادرهای کانون.

یوسف تقی‌بیگلو  
۱۵ ساله عضو کتابخانه شماره ۷ تهران  
دریاچه

مانده در خشکی

سالهاست

آن گودال آب

هر روز صبح شاد و زیبا

و هر شب غمگین و ترسناک

گرفتار از بالا به آسمان

و از پایین بنده سنگها

در تابستان پرغوغا

و پرمهمان

در زمستان ساکت

و نامی تنها

زنده‌ای بی‌اراده

و تنها

دریاچه . . . . . دریاچه

## کتابخانه‌های شهرستان

بررسی همه جانبه‌ی گزارش‌های ماهانه و تهیه نوشته‌ی کوتاهی برای تأکید بیشتر در مورد مطالب ذکر شده در پاسخ گزارشهای ماهانه، فقط تکرار مکررات نیست بلکه به این قصد است که کم کم از عیوب کمی و سطحی بکاهیم و به کیفیت و محتوای کارها و برنامه‌ها بپردازیم. متأسفانه توجه نکردن به این مهم از جانب کتابداران سبب می‌شود که صفحات پاسخ به گزارشها از مطالبی یکنواخت پر میشود که فرصت برای برداشتن قدمی تازه را هم بدست نیاوریم. قبول کنید که گفتن می‌تواند از جانب ما باشد ولی مسلماً عمل را باید از کتابداران انتظار داشته



بازدید اعضای کتابخانه‌ی کودک مشهد از نمایشگاه کتاب در روز نهم آبان

باشیم و بس. اولین نکته‌یی که در ماه پیش نوشته شد مطالبی بود در مورد آمارگیری ماهانه - متاسفانه نیم بیشتر کتابخانه‌ها این ماه نیز اشتباه ماه گذشته را تکرار کرده‌اند و مسلم است که در اولین مرحله می‌توان اینطور نتیجه گرفت که اصلا مطالب را نخوانده‌اند. مطلب دیگر درباره مراجعه به مدارس و صحبت با اولیاء مدارس بود که به طور حتم اگر همه کتابداران عزیز به این کار مبادرت می‌ورزیدند کل اعضاء جدید در همهی کتابخانه‌ها رقم چشم‌گیر تری را تشکیل می‌داد که متاسفانه اینطور نشده است. رقم عضو جدید و برخوردار کردن تعداد بیشتری از بچه‌ها از اجرای برنامه‌ها و امکانات کتابخانه‌های کانون یکی از وظائف کتابداران در کتابخانه‌هاست. حال اگر تأکیدی هم در کارنامه می‌شود برای یادآوری است نه عدم توجه بیشتر. نکته‌ی دیگری که توجه هم- کاران گرامی را به آن جلب می‌نمایم بخشنامه‌ها و عمل کرد به آنهاست. تأکید می‌شود که منظور از فرستادن بخشنامه آگاهی شما از موردی برای اجرای کامل آن مورد است. امیدواریم به این امر بیشتر توجه کنید.

پر کردن فرم گزارش ماهانه به نحوی کامل و صحیح و دقت در رئوس مطالب و ستون- های مختلف نشان دهنده‌ی اهمیت شما به کارتان است. اگر گزارش ناقص باستونهای خالی برای

کانون می‌فرستید، اگر به عنوان ستونها توجه نمی‌کنید و بدون اینکه بدانید از شما چه می- خواهیم فرم گزارش را بدون حوصله پر کرده و ارسال می‌دارید، انتظار نداشته باشید که از فاصله‌ی دور به بررسی کامل کار شما پردازیم. این مطلب را باور داشته باشید که وقتی برای اجرای برنامه‌ی نیروی زیاد صرف می‌کنید زمانی که به مطالعه‌ی همه جانبه می‌پردازید تا يك كتاب را بهتر معرفی کنید و یا يك شخصیت را کامل‌تر بشناسانید، وقتی چندین بار قصه‌ی را پیش خودتان تکرار می‌کنید تا به زیباترین شکل داستانی را داستان‌سرایي کنید، و زمانی که با کوشش فراوان از عهده‌ی برگزاری يك برنامه بحث کتاب یا آزاد برمی‌آیید نمی‌توان شکی به دل راه داد که این يك خواسته‌ی منطقی است که بخواهید آن برنامه را در کلماتی رسا در گزارش بنویسید. حال اگر گزارش خالی بدون توضیح و دقت در مطالب خواسته شده به دست ما برسد چه قضاوتی می‌توانیم داشته باشیم جز اینکه برنامه‌ها به درستی اجرا نگردیده و کارها باعلاقه دنبال نشده است.

امیدواریم با صمیمیتی که در کتابداران سراغ داریم مسائل ذکر شده رفع گردد و در گزارشهای آینده شاهد رفع همه این اشکالات باشیم.

## دراکولا

من به سینما خیلی علاقه دارم بیشتر فیلم‌ها را می‌بینم مخصوصاً «فیلم‌های وحشتناک» را زیاد دوست داشتم. حادثه‌ی که برای اتفاق افتاد مربوط به شبی بود که از فیلمی وحشتناک برمی- گشتم و خسته و هلاک خود را به رختخواب انداختم با اینکه خسته بودم ولی خواب نمی‌برد آنقدر در این حال باقی ماندم که صدای ضربه‌های وحشتناک ساعت به گوشم رسید خیلی ترسیدم. بعد از ۱۴ ضربه ساعت و کمی سکوت صدای دیگری به گوشم رسید صدا خیلی ضعیف بود که آهسته آهسته بلند و بلندتر می‌شد تا آنجا که حس کردم کسی از پلکان بالا می‌آید، آنقدر ترسیده بودم که نزدیک بود بی‌هوش شوم. صدای ضربان قلبم را می‌شنیدم و ضربانهای وحشتناک بریده شد و بعد از آن

صدای ترسناک تك تك شیر به گوشم می‌آمد و بعد از آن صدای تاپ تاپ. از وحشت به خود می‌لرزیدم ناگهان احساس کردم ضربه‌ی به در خورد به آسوی نظر کردم دیدم دستگیره در پایین می‌رود و در باز شد انسانی دیرم وحشتناک مانند فیلم دراکولا دو دندان بزرگ از دو طرف دهانش آویزان بود و چشمان وحشتناکی داشت به‌سوی آمد آنقدر وحشت کرده بودم که حدداشت می‌خواستم فریاد بکشم اما مثل اینکه لال شده بودم آمدم فرار کنم اما مثل اینکه به تخت بسته شده بودم آن موجود خیلی وحشتناک بود. از دهانش خون می‌ریخت، دستش و لباسش پر از خون بود که چکه‌چکه روی تخت می- ریخت و یکمربه آن هیولا شانه‌هایم را گرفت و تکان

نوشته‌ی احمد عطار  
فراهانی ۱۵ ساله  
عضو کتابخانه‌ی شماره  
۱۴ تهران

داد و نودندانش را به طرف گردن من دراز کرد احساس خود را در آن دقیقه نمی- توانم بیان کنم که چقدر ترسیده بودم فقط یاد است که توانستم جیغی بکشم و فریادی یکمربه از خواب پریدم و دیدم مادرم شانه- هایم را تکان می‌دهد و می‌گوید احمد بلند شو سالت سرد است مدرسه ات دیر شده و بعد لحاف را از رویم کشید و روبه من کرد و با قیافه‌ای عصبانی گفت خجالت نمی‌کشی چهارده ساله جای ترا خیس می‌کنی بعد از آن با هر زحمت و جان‌کندنی بود لباسم را عوض کرده و به مدرسه رفتم البته دو سیلی آبدار هم از مدیر خوردم چون دیر رسیده بودم ولی بعد از آن با خودم عهد کردم دیگر به فیلمهای وحشتناک و دراکولائی نروم و فعلاً هم سر قولم هستم.



از این پس مطالبی نیز در زمینه‌ی ادبیات کودکان در جهان خواهیم داشت - بخصوص درباره‌ی کشورهای آسیائی و افریقائی که کمتر اطلاعی درباره‌ی ادبیات کودکانشان در دست داریم. مقاله‌ی زیر اطلاعاتی، هرچند اجمالی، درباره‌ی ادبیات کودکان در کشورهای عربی بدست می‌دهد. اگر نویسنده، مقاله بدون توجه به شرایط و موقعیت کنونی کشورهای عربی نوشته است، اما از فحوای کلامش چنین بر می‌آید که برای رشد و کمال ادبیات کودکان در اینگونه سرزمین‌ها، نیازی مبرم به یاری سازمان‌های رسمی فرهنگی هست تا ادبیات کودکان سرنوشته‌ش در دست ناشران تجاری نباشد. گرایش به علوم اجتماعی از ویژگی‌های ادبیات کودکان در آسیا و افریقا است:

در جهان عرب حوزه‌ی ادبیات کودکان محدود به روزنامه‌ها و مجله‌هاست، مصر در این زمینه از دیگران جلوتر است - در آنجا نخستین مجله‌ی مربوط به جوانان در سال ۱۸۷۰ میلادی منتشر شد. در کشورهای دیگر عربی مجله‌های مربوط به کودکان و نوجوانان تنها از دهه‌ی ۱۹۵۰ به وجود آمد. در تمام کشورهای عربی، به علت کمی کارکنان چاپ و کمبود حمل و نقل، تیراژ این نشریه‌ها اندک است. باید گفت که ارزش این نشریات همواره مثبت نیست، زیرا آنها را اغلب ناشران تجاری منتشر می‌کنند. این ناشران به جای اینکه به دقت ببینند که از حیث روانشناسی و آموزشی چه مطالبی برای کودکان و نوجوانان سودمند است، اساساً با محیط زندگی کودک و اینکه کودک در چه سنی خواندن را آغاز می‌کند یکسره بیگانه‌اند. محیط زندگی کودک به ویژه اهمیت زیادی دارد زیرا تفاوت میان شهر و مناطق روستایی و میان شهر کوچک و شهر بزرگ به راستی عظیم است.

کتابهایی که برای کودکان و نوجوانان منتشر شده - اکثریت نزدیک به تمامش - ترجمه و اقتباس

## جغرافیای جهانی ادبیات کودکان:

# ادبیات کودکان و نوجوانان در کشورهای عربی

را دارند. این مجله‌ها را به سبک و زبانی می‌نویسند که نشان می‌دهد نویسندگانشان تصور می‌کنند با آدمهایی دیرفهم طرفند. در نتیجه میان این مجلات و خوانندگانشان ورطه‌یی پدید آمده است.

مساله‌ی دیگر این است که بعضی داستانها به لجه‌یی نوشته می‌شود که تنها برای ساکنان منطقه‌یی خاص فهمیدنی است.

مطلب مجله‌ها معمولاً درباره‌ی محیط مدرسه و شاگردان آن است، حال آنکه شاگردان به خواندن چیزهایی درباره‌ی تجربه‌ی خودشان علاقه ندارند بلکه بیشتر دوست دارند با مطالب وانگیزه‌های تازه آشنا شوند. دیگر، اینکه سردبیران مجلات ناآگاهانه مجله را از مطالب آموزشی انباشته می‌کنند، حال آنکه درست کردن یک گروه خواننده از همان آغاز به مطالب جالب و سودمند بستگی دارد.

در کشورهای مختلف عربی، بسته به محیط سیاسی و اجتماعیشان، موضوعهای دیگری نیز در این مجلات چاپ می‌شود - مثلاً داستانهای قدیمی عربی یا اسلامی، داستانهایی برای پرورش احساسات ملت‌گرایانه و ضد استعماری، داستانهای مربوط به جانوران نیز در این مجلات جای مهمی دارند گویا اینکه تنها کودکان کم‌سال به آنها علاقه دارند.

مجلات مصر و لیبی بیشتر داستانهای غربی را ترجمه می‌کنند و معمولاً تنها نامهای آنها را به نامهای عربی تبدیل می‌کنند.

### روزنامه

این روزنامه‌ها را برای گروه سن ۱۲ تا ۱۸ ساله منتشر می‌کنند ولی مطالب آنها تنها برای کودکان کمتر از ده ساله جالب است. و از آنجا که زبان و سبک آنها برای کودکان بزرگتر و نوجوانان انتخاب شده نه کودکان از آنها خوششان می‌آید و نه نوجوانان. گواه این نکته فروش بسیار اندک این روزنامه‌هاست.

خلاصه شده از Book Bird

از زبانهای خارجی است. دین و علوم اجتماعی - از یک نظرگاه تاریخی و بی‌هیچ توجهی به جنبه‌ی زیبایی شناسانه‌ی آنها - از جمله‌ی مطالبی است که در کتابهای کودکان بسیار تکرار می‌شود. بنابراین، به رغم آماري که درباره‌ی کتابهای کودکان و نوجوانان در کشورهای عربی داده می‌شود، حق این است که مقوله‌ی کتاب را از ادبیات کودکان و نوجوانان حذف کنیم.

باقی می‌ماند مجله و روزنامه.

### مجله

از بسیاری جهات مجله جانشین کتاب شده است، زیرا برای خواننده یک فعالیت‌زمان فراغت فراهم می‌کند گویا اینکه محتوای آن اغلب بی‌دقت انتخاب می‌شود.

مجله‌ها در بعضی کشورها هفتگی هستند و در بعضی ماهانه. قیمت این مجله‌ها نسبتاً گران است، گویا اینکه بسیاری از کودکان توانایی خرید آنها

# در کتابخانه‌های روستا

«سیکسری» و «سبک مغزی» است. بچه‌اش دارد «درس» می‌خواند و به «مدرسه» می‌رود. بنابراین «رقص» و «ترانه» خوانی را نوعی عمل دور از «نزاکت» تلقی کرده است.

تهیه کارهای دستی، اندیشه به اشیایی که روزی در مزرع و مرتع بدرش می‌خورد، یا در خانه وسیله تفنن و تزیین قرار می‌گرفت، فراموش شده است. به عقیده روستایی اینگونه اندیشیدن‌ها دردی را دعوا نخواهد کرد و می‌دانیم که چنین دور و تسلسل‌هایی خطرناک است. خطرناک برای فرهنگ ملی این بوم‌وبر.

شاهد صادق؛ بچه روستایی شالیکار مازندرانی‌ست که «اودنگ» (۱) را نمی‌شناسد و از شکل و نحوه کارش بی‌خبر است. معلم روستایی به‌علل زیادی، از جمله تراکم کارهای اداری و آموزشی، طبعاً نمی‌تواند باره‌می‌این مسئولیتها را به دوش بکشد. سازمانهای آموزشی و فرهنگی نظیر کانون می‌توانند دخالت

نشوونما در بین روستاییان، لااقل به‌نگارنده نتیجه بحث و گفتگو و با آنها نشستن‌راه، به‌خوبی نشان داده‌است. بازگرددن داستانها، قصه‌ها، ترانه‌ها و آهنگ‌های دست‌نخورده محلی، رقصهای مرسوم در روستاها همه از مسائلی‌ست که از فنا شدن فرهنگ روستا جلوگیری کرده، تکلیف روستایی را نسبت به‌زندگی خودش کاملاً روشن می‌کند. چرا که امروز او با استهزاء ولودگی با فرهنگ خودش روبرو می‌شود.

برعلاقمندان و سخت‌کوشان جدی‌ست که برای روشن کردن هزاران مساله از این دست گام پیش گذارند، بدون آنکه خدای ناخواسته، دریافتن مسائل روستا را ریسمانی کنیم؛ جهت صعود به‌قلل کاغذین. کودک با انواع آهنگهای روستایش ترانه می‌خواند، اما کمتر بزرگترها این فرصت را به‌او داده‌اند. از نظر «بزرگترها» ترانه‌خواندن کار «مطرب» است و مطرب» گرچه به من و شما «مطرب» می‌بخشد. ولی در نظر روستایی، مترادف با

با پشتکار و صداقت کتابرسان سیار مازندران آقای **محمدرضا اسماعیل‌زاده نصیری** و همکاری صادقانه آموزگاران و مدیران مدارس روستایی مازندران تحرك امیدبخشی را در کتابخانه‌های سیار این استان شروع کرده‌ایم. بهره‌مندی از انواع کتب کتابخانه‌سیار، نمایش و تجزیه و تحلیل فیلم و شرکت دادن مستقیم بچه‌ها در بیان برداشت‌هایشان از فیلم، تشویق کودکان روستایی به تهیه کارهای دستی از وسایل تولیدی و تفنی زندگی‌شان، جمع‌آوری و بررسی اصیل‌ترین قصه‌ها، آهنگ‌ها و ترانه‌های محلی مازندرانی همه‌وهمه از شکوفایی استعدادهایی نوید می‌دهند که باید در جهت به‌ثمر رساندنشان «درهای بسته اطاق‌ها مان» را بگشاییم و «قدم در راه» بگذاریم.

در اندیشه کودک روستایی، مسائل بسیاری، به‌انبوهی گرد آمده است. چه خوب است، آگاهانه و درعمل، به‌کشف و تحقیق درمسائل روستایی همت گماشته شود. تردیدی نیست که صرفاً «آمار» صددرصد قبولی دادن، نه‌تنها دلخوشکنکی برای انسان مثبت آگاه نخواهد بود، بلکه در تحلیل دقیق نگران‌کننده است. مثالی بیاوریم: کودک در کلاس سوم ابتدایی اعداد چند رقمی را با سرعت و دقت عمل کم‌نظیری در هم ضرب می‌کند، با شوق خاصی نمایشنامه‌هایی را اجرا می‌کند، اشعار بسیار طولیلی چون «آرش کمانگیر» را در ذهن می‌سپارد، قصه‌ها و ماجراهایی از محیط خارج با دخل و تصرف جالب کودکانه بازگو می‌کند، مایه تاسف است که چنین کودکانی را در چارچوب مواد درسی خشک کنیم. کتاب، فیلم، اجرای برنامه‌هایی در زمینه‌های متنوع هنری، سبب خواهد شد که آموزگار و نوآموز روستایی عملاً در متن کار قرار گرفته، یاری‌دهنده مهمی در تحقیق و بررسی فرهنگ روستایی این آب و خاک به‌حساب آیند.

دو سال و اندی کار مداوم و تماس مستقیم با این بچه‌ها، و هم از ابتدا،



توزیع کتاب بین بزرگسالان روستای سیاهکلامحله توسط سپاهی دانش

۱- اودنگ یا آبدنگ = با آب کار میکرد و شلتوک را به‌برنج تبدیل می‌نمود. امروز ماشین‌های شالی‌کوب جایش را گرفته‌اند.

# قصه‌های روستا

زهرا ذوالفقاریان کلاس چهارم  
دبستان رضاقلی یزدانی (طالب آباد)  
سمنان  
عضو کتابخانه بسیار فرمانداریکل  
سمنان

از سید صادق محمدی دبستان  
رکن کلا بدست  
(شاهی) عضو کتابخانه بسیار  
مازندران

## داستان يك

### پسر و عمویش

پسری بود که يك مادر پیر و يك خانه كوچك داشت روزی خانه‌ی آنها آتش گرفت. این پسر يك خوری را پیدا کرد. سوخت خانه را کرد توی يك کیسه بزرگ و آن را پشت خر گذاشت رفت و رفت تا به جایی رسید، يك مرد دیگری بود و يك خوری داشت. پشت این خر پراز پول بود. این دو تا مرد باهم دوست شدند و رفتند تا جایی شب شد و آن خری که پشتش پول بود گرفت و رفت تا به خانه رسید. به مادرش گفت برو عموی مرا صدا کن بیاید تا این پول را بشماریم. مادرش رفت و عمویش را صدا زد و گفت پسر من می‌گوید به خانه ما بیاید. عمویش رفت خانه آنها. عمویش گفت چه کار داری؟ گفت عموجان بیا تا این پول را بشماریم. عمویش گفت این پول را کجا گرفته‌اید؟ عمویش گفت منم (من هم) خانه خود را آتش بزنم سوختش فروش می‌رود. گفت بله. این خانه‌اش را آتش زد و سوخت خانه را توی چهاروپنج تا کیسه زد و روی خر گذاشت و به دهکده‌های دیگر برد و می‌گفت: سوته‌سوته (۱) یعنی بقول ما. مردم خوب گرفتن (گرفتند) این را دنبال کردند. این آمد خانه و این پسر را گرفت و تسوی يك کیسه گذاشت و به دوشش (دوش)

## شکستن

### تخم مرغ

در زمان قدیم مادر بزرگم مقداری تخم مرغ به من داد و گفت برو و این تخم مرغ‌ها را ببر و بفروش من رفتم رفتم تا به يك تپه رسیدم تخم مرغ‌ها يك مرتبه از دستم افتادند و در میان يك تخم مرغ كوچك و قشنگی درآمد و این مرغ رفت و رفت تا به كوه رسید در بالای آن كوه مردم داشتند گندم را درو می‌کردند مردی این مرغ را يك مرتبه گرفت من پشم آن مرد رفتم و مرغ را از او گرفتم و به خانه برگشتم و مادر مادری (۱) دوباره مقداری تخم مرغ دیگر به من داد. من رفتم تا آنها را بفروشم ماشین آمد و تمام تخم مرغها را شکست...

۱- مادر بزرگ

گرفت و برد می‌خواست این را به دریا بیندازد. همچون گه داشت می‌رفت به قهوه‌خانه‌ی رسید آنجا کیسه را به يك دست (به دست يك) چوپان داد و گفت: این را داشته باش تا من همین الان می‌آیم. چوپان گفت خوب. این مرد که به قهوه‌خانه رفت، این مرد چوپان سرکیسه را باز کرد و دید يك پسری در توی کیسه است. این چوپان گفت اینجا چه کار می‌کنی؟ این پسر به چوپان گفت این می-

مؤثر در این موضوعات داشته باشند. آگاهی، علاقه و قبل از هر دوی این عوامل، شرایط مناسب مادی و معنوی جهت بهره‌گیری از دانش موجود، باید باشد تا عملاً امکان چنین تحقیقاتی را توانسته باشیم بوجود آوریم.

در گفتگو با اکثر اعضای کتابخانه‌های بسیار در مازندران و فرمانداریکل سمنان، بیش از ۸۰٪ بچه‌ها به ترانه‌ها، آهنگها، بازیها و سرگرمیهای «انچنانی» علاقه نشان می‌دهند.

سرگرمی او این است که می‌گوید آقا من «جوك» بگویم؟ وقتی می‌پرسی که «جوك» یعنی چه؟ درمی‌ماند.

بزی او اغلب «فوتبال» است. آهنگ‌های او اغلب از همان آهنگهای «قاطی پاطی» است که میدانیم. نوارهای موجود گویای این حقایق هستند.

حق هم با اوست چرا که من و شما هم در خانه و مدرسه و کوجه بیشتر «جوك» گفتیم و شنیدیم تا قصه‌های این آب و خاک را. ماهم بیشتر از فوتبالی‌ها شنیدیم و گفتیم و از «توپ مره» (نره) چیزی نمی‌دانیم كودك دامغانی هم فوتبال را ترجیح می‌دهد و دارد حتی اسامی بازیهای محلی را فراموش می‌کند. با فوتبالیست و فوتبالیست حسابی نداریم که هیچ، خیلی هم خوش حساب هستیم. آیا باید فوتبال قاتل بازیهای محلی شود؟ آیا آهنگهای «انچنانی» ترانه‌های پرمایه و دلنشین این آب و خاک را از بیخ و بن درو کند. بدیهیست انسان نسبتاً صاحب شعور سالم هم هیچگونه عنادی با فرهنگ و تمدن ملت یا سرزمینی ندارد و باین انگاره، تنها خواهان حفظ میراث خوب و گرانبهای عزیزانمان هستیم.

اباسعد كوزه‌گر

بازرس کتابخانه‌های روستایی

## کارنامه

کانون پرورش فکری کودکان

و نوجوانان

شماره‌ی ۹ (دوره‌ی ششم) آذرماه ۱۳۵۲

چاپخانه خوشه تلفن ۳۱۸۵۶۵

گراور سازی پاسارگاد تلفن ۳۹۱۷۱۸

۱- در اصطلاح محلی به خاکستر باقیمانده از شیئی سوخته شده گفته می‌شود.



علیاحضرت شهبانو عصر روز ۲۶ آذر نمایشگاه انجمن دلی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی را در کتابخانه کودک نیوران افتتاح فرمودند.

ضمن این مراسم آقایان پور اقامت، عضو کتابخانه شماره ۲ و خزائلی عضو کتابخانه شماره ۴ و گودرزی عضو کتابخانه شماره ۷، سازندگان فیلمهای سرامیک، مرغ، قلمدوش، ستایش شده در دهمین فستیوال بین‌المللی هلستینکی، حضور علیاحضرت شهبانو معرفی شدند و مورد تقدیر ایشان قرار گرفتند.

همت و علاقمندی کارکنان مدارس روستایی مازندران و رضائیه را، سپاس می‌گذاریم. امیدواریم تشویق نوازان به قصه نویسی در نتیجه تفکر آنان به خود و محیطشان را ادامه دهید. از دیستان خوب دانش آموز مازندرانی و رضائیه‌یی خود تشکر می‌کنیم که برای ما قصه‌های جالب و بحث‌انگیز فرستاده‌اند. این قصه‌ها پس از بررسی و انتخاب به ترتیب در نشریه ماهانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ خواهد رسید.

گوید دختر مرا ببر و برایش عروسی کن. من گفتم این را نمی‌خواهم. چوپان گفت تو لباس چوپانی مرا بگیر بر تنت کن و من لباس تو را می‌پوشم و می‌روم تو سر کیسه را بند و من می‌گویم دختر تو را می‌خواهم و برایش عروسی می‌کنم. این مرد کیسه را دوش گرفت، داشت برد (می‌خواست برد) این چوپان گفت من دختر تو را می‌خواهم این مرد گفت حالا دختر مرا هم می‌خواهی؟ تو را می‌برم به دریا می‌اندازم. این مرد پسر را برد توی دریا انداخت و رفت خانه و این پسر که لباس چوپان را گرفته بود گوسفندها را گرفت و به